

## مکتی برنوشته داکتر هاشمیان در مورد «دیورند لاین»

دانشمند جلیل القدر محترم داکتر سید خلیل الله هاشمیان سلام به شما و خانواده معزز

نوشته علمی، رهنمایی کننده و آموزنده شما را بخاطر اینکه مطالعه نموده و از آن بسا چیزها آموختم. نوشته های شما مانند شخصیت فرهنگی جلیل القدر و تاریخ زنده کشور برای من و هزاران هموطن مسایل و مطالب دارند که ما را جهت و قوت قلب داده سمت کاری داده ما را در روشنی قضایا قرار می دهند.

می خواهم انشاء الله اگر وقت یاری کند این مبحث را در بخش های ذیل انکشاف داده با شما و خوانندگان عزیز در آینده در میان گذارم:

راه ما و هدف ما و طریق رسیدن به آن. آموزش و سمت دهی و سمت گیری مثبت و قوت بیشتر برای اصلاح و ادای رسالت و تفکر برای آنانیکه پا کج می گذارند و یا ادای رسالت نمی کنند.

در قسمت اول تمرکز بر اینکه باید توجه داشت که در عصر فتنه و فریب زندگی می کنیم و اکثر مشکل است بدانیم ضربه و خدعه از کدام طرف وارد می شود اما تصور و منطق قضایا را میتوان سنجد تا استوار قدم برداشت و از اشتباهات گذشته آموخت. توجه کرد که همفکران خوب یافت و دشمن در بین کاری کرده نتواند.

شخصیت های مانند شما درین راستا رول رهنمای خیر و سمت دهی نیک را با تمام صراحت بازی کرده اید و می کنید. درین راستا می خواهم به تفصیل در مورد بحث: زمانه کج روشن را ببر کشد ببید - هرآنکه راست بود خار چشم افلاک است (حضرت ابوالمعانی ببید) مطالب داشته باشم و توضیح کنیم که کج روشن به این فرصت زمانه مغرور نه شوند و واپس به ادای رسالت انسانی متوجه شدن درکار است.

میخواهم درین مبحث از گلایه های بنویسم که شاعر آنرا چنین بیان داشته است:

کمه نادوده به دی یوسم - چی ناکردی دی یادوم ژرا رآئینه (کدام جفايت را قبول خواهم کرد - خواهم پذیرفت- هر زمانیکه به جفاها و ناکرده هایت می اندیشم گریه ام می گیرد) دقیقاً این درد دل را نویسنده خیر خواه و فرهنگی عالیقدر کشور همین ها با باز کردن کرکین جناب مرادزی به پیش می برد.

و درین مبحث باز هم از تعابیر عده ای از حکومتی ها بنویسم که گویا ما را به زهر پراگنی متهم نموده و توصیه می دارند که روحیه نیک نگری و امید را باید تقویت کنیم. در حالیکه این زهر را کسی دیگر ایجاد کرده و می کند و ما صرف آنرا نام گرفته تا شود تأثیر کشنده آن به موقع محدود شود و تا دیر نشده تدابیر وقایوی گرفته شود:

درین راستا شعر مرحوم استاد الفت را با خود زمزمه گویان تکرار می کنم:

ندي دویلو هغه څه چي ما دليدي دي  
نیست از گفتن آنچه را من دیدم

نه ومه خبر پرده می لره شانتی جکه کره  
(آگاهی نداشتم - پرده را کمی بلند کردم و برداشتم)

و شاعر بلند پایه مذکور مرحوم الفت در مصارع بعدی همین شعر خویش ادامه می دهد: که من به گفتن این تخلفات و فاش کردن آن متخلف پنداشته می شوم ولی آن دیگر به کردن این تخلفات درجه و مقام می گیرد و از وی پاداش بعمل می آید.

دقیقاً شما و امثال شما با شهامت و مردانگی، استادگی و مقاومت با فاش کردن فتنه و فساد پرداخته و ادای رسالت می کنید و دقیقاً که مورد خشم عده ای قرار گرفته و عدالت پیمال می شود.

در قسمت دوم مبحث می خواهم به این متمرکز شوم و به جواب این سوال وسیعاً بپردازم که آیا پاکستان می خواهد یا نمی خواهد به ظاهر امر به مسایل دیورند لاین متمرکز شود یا برای آن با تمام قوت عملاً کار نموده و زمینه سازی وسیع با برنامه های وسیع در منطقه و جهان دارد؟

به فهم و شناخت من «دیورند لاین» برای پاکستان سخن اساسی بود و هست، اما فرصت و مناسبت موضوع را می ببند تا مطابق آن عمل میکند.

اینکه پاکستان نتوانست در سال های نود قرن گذشته مسأله «دیورند لاین» را بر ملا محمد عمر آخوند زاده رهبر حرکت طالبان بقبولاند و شما در نوشته خویش به آن تذکرات دارید می خواهم بگویم که بیشتر از یک سال قبل در لندن از جناب کاروانی رئیس کمیونتی افغانها دریک گردهمایی خصوصی قصه و سرگذشت شنیدم که مبنی به عدم موافقه وی با پاکستان برسر خط دیورند بود. به این سرگذشت و موضع با شک و تردید نگاه میکردم که چگونه ملا

محمد عمر آخوند زاده خواست پاکستان را در مورد رد کرده باشد؟ اما بعد از یک سال عین قصه را از جانب شخصی با همان کیف و کان از جانب کاملاً شخص ثالث در یک گردهمایی خصوصی در شهر مدینه منوره عربستان به عین شکل شنیدم که بعداً برصحت موضوع متیقن شدم. شخص مذکور بدون اینکه بامن شناخت داشته باشد که چقدر این مسایل برایم جالب با تفصیل گفت که ملا محمد عمر آخذزاده خواست پرویز مشرف را در قسمت قبول «خط دیورند» نپذیرفت.

اما حال آمدیم که عده ای دیگری حالا برای رسیدن به قدرت سیاسی در افغانستان و یا برای بقا در قدرت سیاست مرتکب این خیانت ملی و تاریخی شوند سوال خواهد بود که عصر جواب آنرا خواهد داد.

در قسمت سوم و در مبحث سوم می خواهم راه های حل مناسب و درست به موضع خط نام نهاد «دیورند لاین» را مورد بررسی قرار دهم. توضیح بدارم که کدام راه حل درست و در کدام فرصت سخن مناسب است و چرا؟ به فهم و شناخت من درین مرحله درین جا چیزی نیست که بر آن با کسی توافق شود. کسی با کسی بر سر چیزی توافق کند. نه مسأله کاملاً روشن است و طرف درین راستا وجود ندارد که با طرف دیگر معامله و توافق کند. پاکستان بر قسمت اعظمی از خاک افغانستان ایجاد شده و این حالت غیر طبیعی و غیر مشروع است که باید به آن خاتمه داده شود. درین راستا کدام توافق دیگر مطرح نیست. راه هایی چون بدست آوردن بندرگاه و راه برای بحر و همه پرسی و . . . همه درین مرحله به خطا می روند و ما را از هدف دور می سازند و به جان هم می اندازند. مسأله آب بحر را در تاریخ یکبار دیگر هم مطرح کردند که جداً اشتباه بوده بعد از این طرح پاکستان توانست از آن بهره برداری بزرگ سیاسی کند و برای پینتون ها و بلوچ ها بگوید که دیدید افغانستان شما را بخاطر آب بحر به فروش رسانید و سودا کرد. مسأله بندر حاصل کردن یک طرح ساده لوحانه ای بیش نیست و قابل قبول نمی باشد.

می خواهم در مورد این به تفصیل بنویسم که مادرین مرحله باید به این متمرکز شویم که ادای رسالت نموده از گذشته بیاموزیم و یکسره بالای فاسخ بودن خط دیورند در عمل کار صورت بگیرد و برای جهان فهمانده شود که اگر می خواهید که مشکل جهان و شما حل شود و اولاد شما و پول شما مصرف نشود باید عملاً این خط غیر مشروع را از بین برداشت و نه پاکستان بغیر از بازی دوگانه چیز دیگری کرده نمی تواند و نخواهد کرد. اگر با جناب حامد کرزی و یا هرجانب دیگر درین مورد کدام معامله ای غیر مشروع کند مشکل افغانستان حل نخواهد شد. مطالبات پاکستان روز به روز زیاد تر خواهد شد و می شود.

پاکستان معضله و مشکل است و باید مانده غده سرطانی قطع و از بین برداشته شود. راه حل دیگر وجود ندارد.

پایان